

نگاه بیرون

تقابل عربستان با ایران با نگاه رسانه‌ها

تغییر لحن ولیعهد سعودی

● شرق: دور تازه تقابل عربستان سعودی با ایران از ماجرای حمله به تأسیسات نفتی آرامکو آغاز شد. این استدلال که «این حمله از یمنی‌ها برنمی‌آید» از استدلال‌های آمریکا، عربستان و اروپا برای اتهام‌زنی به ایران بود؛ اما به نظر می‌رسد اخبار حمله زمینی اخیر حوثی‌ها به خاک عربستان نمایشی دوباره از آسیب‌پذیری عربستان سعودی و ضعف نظامی‌اش، حتی در مقابل همان حوثی‌هاست و این اتفاق هم‌زمان با ادامه نشانه‌ها از ناامیدی عربستان از رویکردهای تقابلی و حرکتش به سمت کنارآمدن با ایران رخ می‌دهد. رابرت فیسک، تحلیلگر شناخته‌شده حوزه غرب آسیا در ایندپندنت، نگاه تند به رفتار سعودی دارد و تی‌آرتی نیز در نوشته‌ای به بررسی این تغییر لحن می‌پردازد. بریده‌هایی از این دو نوشته را در ادامه می‌خوانید.

THE INDEPENDENT

ایندپندنت: عربستان سعودی به‌سوی آشوب می‌رود

تصاویر ویدئویی حوثی‌ها از کشته‌شدن یا تسلیم‌شدن سربازان سعودی و متحدانشان، درون شهر مرزی سعودی به نام نجران، نمایشگر ضربه‌ای ویرانگر به پادشاهی‌ای است که مدام تهدید به جنگ علیه این می‌کند. اگر [این کشور] نمی‌تواند از نیروهای مسلح خودش درون قلمرو سعودی حفاظت کند، هدردادن وقت در تهدید ایران با اقدام نظامی به خاطر ویرانی شدید دو هفته پیش تسلیحات نفتی در عبیق و خوریس چه معنی دارد؟

آیا قرار است حالا از سربازان آمریکایی خواسته شود به‌عنوان سربازان مزدور برای این پادشاهی عجیب کار کنند؟ مشخص است که سربازان خود عربستان سعودی با بسیاری از هواپیماهای جنگنده، موشک و کمک‌های آمریکایی و بریتانیایی، به همان اندازه که قبلا بودند، ناامیدکننده‌اند. یادتان هست چطور نتوانستند در مقابل صدام از خودشان دفاع کنند؟ همان زمان حمله به کویت در سال ۱۹۹۰ که گروهی از ارتش‌های بین‌المللی را وارد کردند تا از آنها «حفاظت» کنند.

حالا انکار [ترامپ] باید از یک پادشاهی بی‌رحم دفاع کند که ایران را بابت حملاتش [حملات حوثی‌ها؟] علیه تأسیسات نفتی عمده سعودی به جنگ تهدید می‌کند؛ اما با چه؟ ایران را بمباران کند و بعد از آنها بخواهد به کشتی‌های آمریکایی یا به سربازان ایالات متحده در عربستان سعودی شلیک متقابلی نداشته باشند؟ قرار است [خطر] ایران را جدی بگیریم اما آیا وقتی رقیب اصلی‌اش، یک پادشاهی که از «بریدن سر مار» (ایران) حرف می‌زند، این طور مثل احمق‌ها رفتار می‌کند، می‌شود چنین کرد؟

TRTWORLD

تی‌آرتی: تغییر ادبیات ولیعهد سعودی درباره ایران

دوسال پیش، حاکم جوان و بی‌تجربه سعودی مطمئن بود که می‌تواند در خاورمیانه «از شر ایران راحت شود» اما حالا به سمت گفت‌وگو تغییر مسیر داده است. برای ولیعهد جاه‌طلبی که اعضای مهم خانواده سلطنتی سعودی را بازداشت کرد و جنگی پرهزینه در یمن به راه انداخت، این تغییری رادیکال است که از گفت‌وگو با ایران حرف بزند.

یکی، دو سال پیش، همین «ام‌بی‌اس» [محمد بن‌سلمان] که از ترامپ جان تازه‌ای گرفته بود، در واکنشش به وامنه فعالیت‌گسترده ایران در خاورمیانه حرف‌های تهدیدآمیز و برطمطراقی می‌زد و امکان هرگونه گفت‌وگو با ایران را رد می‌کرد. از آن زمان، بسیاری مسائل از کشتن خاشقجی تا جنگ ناکام یمن، در این پادشاهی و در خاورمیانه رخ داده‌اند که برای ریاض و ولیعهد جوانش هزینه داشته‌اند؛ این او را مجبور کرده است با تهران کنار بیاید. پیش‌ترها در سال ۲۰۱۷، ام‌بی‌اس ایده بردن نبرد پادشاهی به درون قلمروهای ایرانی را پیش کشیده بود اما امروز به نظر می‌رسد برعکس آن اتفاق افتاده است. کارشناسان دلایل مختلفی برای تغییر لحن ام‌بی‌اس درباره ایران یافته‌اند که یکی از آنها فقدان حمایت ایالات متحده از جنگ محتمل با ایران است. دلیل دیگری که باعث شده سعودی‌ها اشتباهی برای جنگ با ایران نداشته باشند، ممکن است بی‌تجربگی این پادشاهی باشد. ایران کادری از سربازان با انگیزه‌های بالا و سپاه پاسداران در کنار نایان شیعه در سراسر منطقه دارد. از طرف دیگر، سعودی‌ها ارتشی بی‌تجربه دارند که بیشتر به سربازان خارجی و آمریکایی تکیه دارند تا از کشورشان دفاع کنند و برایشان بچکنند؛ افرادی که با ظرفیت نظامی عربستان سعودی آشنا هستند، اغلب یکی از جوک‌های بسیار مشهور در خاورمیانه را پیش می‌کشند: «عربستان تا آخرین پاکستانی خواهد جنگید». ترکیب ظرفیت نظامی عربستان سعودی، بی‌میلی ایالات متحده به شروع جنگی دیگر و دغدغه‌های اقتصادی مانند درگیرشدن آرامکوئ سعودی، در هفته‌های اخیر ولیعهد سعودی را به عقب‌نشینی از ادبیات تندش درباره ایران واداشته است.

دیپلماسی

به بهانه انتشار مصاحبه تلویزیونی سردار سلیمانی

در رثای آزادی بیان رسانه‌ها



آن‌ها که یک دهه پیش در حوزه سیاست خارجی کار خبری کرده‌اند یا آن فضا را به یاد دارند، می‌دانند در آن زمان فضا برای رسانه‌های داخلی در پوشش خبری مسائل مربوط به منطقه به‌شدت بسته بود و رسانه‌ها باید تحفظ زیادی به خرج می‌دادند. درحالی‌که در آن زمان رسانه‌های خارجی درباره حضور نیروهای ایرانی در قالب سپاه می‌نوشتند؛ اما رسانه‌های داخلی حتی برای بازتاب آن مطالب با مشکل مواجه بودند. همچنین در آن دوران در رسانه‌های داخلی درباره بخش برون‌مرزی سپاه یا حضور سپاه قدس نمی‌توانستیم به‌صراحت چیزی بنویسیم. درحالی‌که بهتر است بگویم با انتشار گفت‌وگوی سه‌شنبه‌شب با سردار سلیمانی تابوی خودساخته رسانه‌ای درباره سمت او به کل از بین رفت. وقتی در رسانه‌های رسمی آمده «نخستین گفت‌وگوی تفصیلی سردار قاسم سلیمانی در ۲۰ سال گذشته» (یعنی از زمان برعهده‌گرفتن فرماندهی سپاه قدس)؛ پس اکنون می‌توان این پرسش را مطرح کرد که واقعا این همه سال ایجاد محذوریت در رسانه‌ها برای چه هدفی بود. درحالی‌که حدود چهار سالی است بیش از همیشه چهره سردار سلیمانی به عرصه رسانه‌ها راه یافته؛ از تعریف‌کردن ماجرای نامه رئیس سیا به بازنشده پس فرستاده شد، تا حضور در بین خرابه‌های شهر حلب، بجاآوردن نماز در مرز عراق و سوریه تا حضور در شلمچه، در جمع فرماندهان حشدالشعبی در اطراف فلوجه.

۱

در همه سال‌هایی که رسانه‌های داخلی تقریبا درباره حضور منطقه‌ای ایران چیزی نمی‌توانستند بنویسند، رسانه‌های خارجی و رسانه‌های فارسی‌زبان در بیرون از مرزها، با تمام قوا نطفه اتهام

رفاقت با تهران زیر فشار



رابطه با تهران تحت فشار، آن‌هم فشار دو قدرتی که از هیچ ابزاری دریغ نمی‌کنند؛ ارمنستان رابطه‌اش با ایران را ادامه می‌دهد آن‌هم زیر فشار آمریکا و اسرائیل. درست سال گذشته همین فصل بود

که جان بولتون رئیس وقت مشاور امنیت ملی وقت آمریکا، به ایروان رفت و با نیکول پاشینیان برای قطع رابطه‌اش با ایران رایزنی کرد. به نظر تحلیلگران آن زمان این دیدار که در آستانه اعمال تحریم‌ها علیه ایران صورت گرفت، با هدف ترغیب یا حتی وادارکردن این کشورها به همراهی با آمریکا بوده است. اما پاشینیان مخالفت کرد. کفیل نخست‌وزیر ارمنستان بعد از سفر جان بولتون، بر اهمیت‌داشتن روابط ویژه با ایران تأکید کرد و گفت این موضع را «شفاف و آشکار» به طرف آمریکایی اطلاع داده است.

یکی از خروجی‌های خیابان سنژول و رشید یاسمی در تهران، در محله ونک باشگاهی است که کوبی بخشی از خاک سرزمین همسایه است؛ ارمنی‌ها آتجا به راحتی همدیگر را پیدا می‌کنند و ارمنی حرف می‌زنند و مراسم‌های سالانه‌شان را به جا می‌آورند؛ از جمله سالگرد قتل عام ارمنه توسط ترک‌های عثمانی. اما این‌تنها مفر آنها در ایران نیست، اصفهان و محله جلفا، تهران و بخشی از نارمک، بخشی‌اش مغازه‌های خیابان بهر شیراز و... همین حضور آنهاست که موجب شد وقتی نیکول پاشینیان به تهران سفر کرد، یکی از برنامه‌هایش ملاقات با ارمنی‌های حاضر در ایران باشد. حتما این یکی از موضوعاتی است که رابطه دو کشور را نیز بیشتر به سمت هم‌گرایی می‌برد.

در منابع اینترنتی آمده «رود ارمنی‌ها به مرکز ایران، به نخستین سال‌های سده هفدهم میلادی بازمی‌گردد، زمانی که شاه‌عباس آنها را از شهر جلفا در کرانه رود ارس به مناطق مرکزی ایران کوچاند. حرکت‌های بزرگ جمعیتی در گذشته بسیار بیش از امروز جنبه اجباری داشته است. ارمنه را در دوره‌های تاریخی گوناگون یا به اسارت آورده‌اند یا به کوه مجبورشان کرده‌اند.

ایران و ارمنستان دو همسایه‌ای هستند که شاید می‌توان فقت ایروان است که بیشتر نیازمند رابطه با تهران است، از آنجا که مرز ارمنستان با دو همسایه خود-ترکیه و جمهوری آذربایجان- بسته است، از همین رومرز با ایران برای این کشور اهمیت حیاتی دارد». از سوی دیگر رابطه دو کشور در حالی به

علیه ایران را کلید زدند و پی گرفتند. درحالی‌که رسانه‌های داخلی هیچ اطلاعاتی از استراتژی و تاکتیک منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران نداشتند. از همین‌رو نقش انتقادی که قطعا مطرح نبود، نقش دفاعی هم نمی‌توانستند بر عهده بگیرند. در همین فضای رسانه‌ای، اتهام «بازی‌خرابکن شدن» در منطقه به جمهوری اسلامی زده شد و ادامه یافت و حتی عمیق شد. به‌دنبال همین فضا بود که برخی تحریم‌ها هموار و ادعاهایی نیز از سوی مقامات خارجی به نقش منطقه‌ای ایران وارد شد و با طیف عربی همیشه مخالف با جمهوری اسلامی ایران، قوت گرفت؛ همان‌گونه که اکنون نیز هست. اگرچه

برجام و مذاکرات هسته‌ای توانست اندکی از سطح این تنش‌های رسانه‌ای درباره ایران بکاهد و حتی به قول یک دیپلمات، با برجام، ایران از «بازی‌خرابکن» به «بازی‌ساز» در منطقه تبدیل شد، اما دیری نپایید که این فضا اندک‌اندک باز هم چرخید و باز دست ما خالی بود برای دفاع یا انتقاد. با خروج آمریکا از برجام درحالی‌که مهره طلایی دیپلماسی یعنی برجام در حال ازدست‌رفتن بود و رسانه‌های خارجی چیز دندان‌گیری برای ارائه درباره ایران نداشتند، دوباره اتهامات به شکل دیگری این‌بار-با جزئیات بیشتر ارائه شد. این موج جدید با قدرت‌گیری سپاه

مخدر در مرز مشترک با افغانستان و پاکستان نوشته‌ایم و مردم نیز به آسیب واردشدن مواد مخدر به زندگی‌هایشان واقف شده‌اند، از همین‌رو کمتر ایرانی‌ای هست که در مورد مبارزه با مافیای مواد مخدر تردید داشته باشد. از همین دست می‌توان به مواجهه با گروه‌های تروریستی افراطی مثل داعش و طالبان هم نگریست؛ گروه‌هایی که از ابتدا با نفوذ افراطیون به مدارس ریشه گرفته‌اند.

همه این‌ها اما در حالی مباحث روی میز رسانه‌هاست که مجال آزادی رسانه‌ای در مورد آنها وجود ندارد و خطرقرمزها اگرچه به پرنگی ۱۰ سال پیش نیست، اما هنوز هست. پخش مصاحبه تلویزیونی سردار سلیمانی به‌عنوان مسئول سپاه قدس و توضیحات او در مورد جنگ ۳۳ روزه می‌تواند فتح‌پابی باشد برای ارائه اطلاعاتی بیشتر از آنچه این سال‌ها در مواجهه و مبارزه با داعش گذشت؛ از شهدایی که دادیم و از آنچه برای پیشگیری از تجربه عراق انجام شد. همیشه با داشتن اطلاعات است که رسانه می‌تواند منتقد یا مدافع باشد. این اما در حالی است که در اصل قضیه نباید از آزادی رسانه‌ای هراسید.

مثال دومی را که در ابتدای مطلب اشاره کردم از یاد نبرم و بنویسم؛ قاضی دادگاهی که با حکمش در مورد فیلترکردن تلگرام معروف شد. در روزهای گذشته از محل کارش به بازداشتگاه منتقل شده است. وقتی اتهام فسادی مطرح است؛ اخلاقی یا مالی، یک‌سوی ماجرا یک نفر فاسد قرار دارد و سوی دیگر آن، یک نفر که از آن سوءاستفاده اخلاقی شده یا اینکه مجبور به پرداخت رشوه‌ای شده یا از آن بولی ستانده شده است. چگونه می‌توان تصور کرد که همه این سال‌ها شاکي در سیستم قضانی به شکایت برخاسته یا اینکه برخاسته و صدایش به جایی ترسیده؟

فضای دادگاه‌ها اما همیشه پر از خبرنگار است؛ خبرنگارانی که اگر آزادی بیان داشتند حتما می‌توانستند سراغ همان چهره‌های مغومی بروند که شاید مورد اخاذی قرار گرفته‌اند. همه این‌ها اما وقتی شدنی است که به «آزادی بیان در رسانه‌ها» قائل باشیم.

ادامه از صفحه ۱۳

فاجعه در لردگان

وی در ادامه اظهار کرد: تمام بخش‌های استان و مجمع نمایندگان درگیر این موضوع هستند و جلسات مکرری از هفته گذشته تاکنون در این زمینه برگزار شده و گزارش‌های ضد و نقیضی دراین‌باره ارائه شده است. در برخی از گزارش‌ها بیان شده که افراد به ویروس مشکوکی مبتلا هستند. آزمایش‌های مختلف نتایج متفاوتی داشته است. ما این موضوع را به‌طور جدی دنبال می‌کنیم. مردم باید آرامش خود را حفظ کنند. در همین راستا رئیس کل دادگستری استان چهارمحال‌وبختیاری از تشکیل پرونده قضانی درباره موضوع سرنگ آلوده در لردگان خبر داد و گفت: بهیار روستا دستگیر شده است. احمدرضا بهرامی با اشاره ابتلای چند نفر به ویروس اچ‌آی‌وی در یکی از روستاهای چهارمحال‌وبختیاری اظهار کرد: جلسه شورای تأمین استان چهارمحال‌وبختیاری در ارتباط با این موضوع برگزار خواهد شد و آخرین اقدامات در این جلسه ارزیابی می‌شود. برخی ادعا دارند که یکی از بهیارانی که در یکی از مراکز بهداشت کار می‌کرده، در زمانی که برای انجام آزمایش‌ها از آنها خون می‌گرفته، به‌جای اینکه برای هر فرد از یک سرنگ استفاده کند، از سرنگ مشترک استفاده می‌کرده که درحال‌حاضر این فرد در بازداشت به سر می‌برد.
بالین حال روز گذشته یک منبع آگاه با تأیید خبر ابتلای اهالی «لردگان» به ویروس اچ‌آی‌وی به «برنا» گفت: اطلاعات تکمیلی پس از انجام تست ایدز از تمامی اهالی منطقه منتشر خواهد شد. براساس این خبر، ابتلای مردم این منطقه به این بیماری ارتباطی با انجام تست قند خون و وزارت بهداشت ندارد و یک موضوع قدیمی است که سر باز کرده است. گفتنی است صحبت‌های منابع آگاه با روزنامه «شرق» حاکی از مشکلات و آسیب‌های اجتماعی فراوانی در روستای چهارمحودی است، مسئله‌ای که باعث می‌شود مسئولان وزارت بهداشت به‌راحتی توط را به زمین مردم بیندازند. مطابق گفته‌های منابع آگاه مستقر در مرکز بهداشت استان، آمار اعتیاد در این روستا بسیار بالاست و فقر نیز در میان مردم موج می‌زند، اما حتی اگر بر فرض همین مسئله تعداد زیادی از مردم این روستا را به این مصیبت گرفتار کرده باشد، چقدر می‌تواند از بار مسئولیت مسئولان بهداشتی و اجتماعی استان کم کند و چرا برای حل مسائل و آسیب‌های این روستا اقدامی نشده است؟

NGO

مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد

بیست و سومین جشنواره غذای خیریه رعد

23rd Raad Charity food festival

شهرک غرب، خیابان هرمزان، پیروزان جنوبی، پلاک ۷۴....

۱۰ تا ۱۲ مهر ۱۳۹۸ | پنج‌شنبه و جمعه: چهارشنبه: از ساعت ۱۷ تا ۲۳ | از ساعت ۱۱ تا ۲۳